

پیشنهاد برای کمک به حل مسأله اعتیاد به مواد مخدر با اتکا بر شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط

بهزاد دوران*

در این مقاله ابتدا کارکرد حمایتی پیوندهای قوی و ضعیف اجتماعی در قبال انواع فشارهای روانی - اجتماعی از دیدگاه تحلیل شبکه اجتماعی طرح می شود و سپس رابطه آن با اعتیاد به مواد مخدر (و پاک شدن و به ویژه پاک ماندن فرد معتاد) مورد بررسی قرار می گیرد. آنگاه ضمن مقایسه شبکه تعامل های رو در روی اجتماعی با شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط، مزایای پیدایی و گسترش شبکه اخیر برای برخورداری مطلوب و مناسب از خدمات حمایتی شبکه روابط اجتماعی در پیوند زدن افراد و رای محدودیت ها و موانع معمول زمانی، مکانی و فضایی، نه تنها به عنوان عامل مکمل بلکه به عنوان عامل موجهه برشمرده می شود. در انتها نیز طرحی عملی برای ایجاد شبکه ارتباطات کامپیوتر در سطح کشور به منظور پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، درمان معتاد و پاکداشت فرد پاک شده ارائه می شود.

مقدمه

ایران در منطقه‌ای واقع شده که بزرگ‌ترین منبع تولید مواد مخدر را در خود جای داده است. قرار گرفتن در مسیر اصلی قاچاق مواد مخدر، برخورداری از جمعیتی جوان، کیفیت در حال گذار جامعه و تحولات و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن، ما را در برابر صدمات مواد مخدر آسیب‌پذیرتر ساخته است (رسول‌زاده طباطبایی و آقامحمدیان ۱۳۸۲). به طوری که امروز مواد مخدر مهم‌ترین چالش اجتماعی ما محسوب می‌شود. کافی است در نظر آوریم چگونه جوانان که سازندگان امروز و به‌ویژه فردای جامعه هستند با گرفتاری در دام اعتیاد از چرخه تولید خارج و به بار سنگینی پر دوش دولت و ملت بدل می‌شوند.

اما، علت اصلی گرایش جوانان به مواد مخدر را باید در فقدان یا کاستی حمایت اجتماعی^۱ آنان جست‌وجو کرد که از کیفیت در حال گذار جامعه و تحولات و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن نشأت می‌گیرد. این مسأله در بدو امر موجب ضربه‌پذیری در مقابل تنیدگی (فشار یا استرس^۲)ها می‌شود و از این محل زمینه برای بروز انواع مشکلات روانی و به‌ویژه افسردگی^۳ فراهم می‌آید که خود از علل اصلی گرایش به مواد مخدر است. ابعاد این مسأله زمانی آشکارتر می‌گردد که بدانیم تعداد مبتلایان به بیماری‌های روانی در ایران بخش قابل توجهی از جمعیت را دربرمی‌گیرد، به طوری که بین ۱۰ تا ۴۰ درصد از جمعیت بالای پانزده سال کشور دچار بیماری روانی هستند و برخی ارقام شیوع افسردگی را تا ۳۰٪ کل جمعیت کشور برآورد می‌کنند (قدسی ۱۳۸۲: ۳).

علل گرایش به مواد مخدر

فقدان حمایت اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب افسردگی می‌شود (قدسی ۱۳۸۲: ۱۲) و چنان‌که اشاره شد علت اصلی گرایش جوانان به مواد مخدر را باید در این فقدان یا کاستی جست‌وجو کرد که از کیفیت در حال گذار جامعه و تحولات و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن

1- Social support

2- Stress

3- Depression

ناشی می‌شود. کیفیتی که با پیدایی و یا با زمینه بسیار مساعدی برای پیدایی بحران اجتماعی^۱، ظهور آنومی^۲ و بی‌هنجاری^۳، شکل‌گیری احساس بی‌یاوری^۴ و نومیدی^۵ در میان جوانان ارتباط تنگاتنگی دارد.

بنا به تعریف دورکیم^۶ آنومی به نوعی حالت اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری در نظام اجتماعی اشاره دارد که به تدریج موجب اضمحلال اقتدار اخلاقی^۷ می‌شود و جامعه مدیریت اخلاقی مؤثر و کنترل اجتماعی لازم بر فرد را از دست می‌دهد و فرد نیز به‌طور متقابل نسبت به سیستم هنجاری جامعه بی‌اعتنا می‌شود. به این ترتیب آنومی اجتماعی که خود عامل تعیین‌کننده پیدایی آنومی اقتصادی و سیاسی به حساب می‌آید، با تریق حمایت اجتماعی، باعث بروز احساس انزوای اجتماعی^۸، بی‌قدرتی^۹، پوچی و بی‌معنایی^{۱۰} در آحاد جامعه و به‌ویژه جوانان می‌شود (مرجایی ۱۳۸۲).

از این‌رو بدیهی است که نباید اختلالات روانی و رفتاری را گرفتاری‌های شخصی فرد پنداشت. اسمیت و هابس معتقدند اختلال روانی، گرفتاری شخصی فرد نیست، چرا که ناشی از فروپاشی منابع حمایت اجتماعی (به خصوص روابط خانوادگی) است. افسردگی چه از نظر منابع حمایت اجتماعی و چه از نظر تنیدگی‌های محیطی که بر فرد وارد می‌شود، جنبه برون‌زا و واکنشی دارد. از این لحاظ، افسردگی واکنشی به محیط اجتماعی فرد است (قدسی ۱۳۸۲: ۷). همین موضع را می‌توان نسبت به شرایط سلامت و رضایت روانی نیز اتخاذ کرد. چرا که شرایط آنومی در عین حال با شادکامی^{۱۱} (نقطه مقابل افسردگی) نیز ارتباط نزدیک دارد. حمایت اجتماعی (و روابط صمیمانه) جزئی از شادکامی است و نبود هیجانات منفی از جمله افسردگی و اضطراب یکی از سه جز اساسی شادکامی است (دو جز دیگر عبارت است از هیجان مثبت و

1- Social crisis

2- Anomie

3- Normlessness

4- Helplessness

5- Hopelessness

6- Emile Durkheim (1858-1917)

7- Moral Authority

8- Social isolation

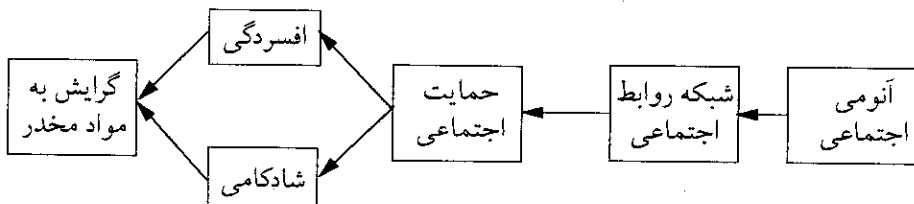
9- Powelessness

10- Meaninglessness

11- Happiness

رضایت از زندگی). برای مثال آرچیل و همکاران دریافتند که روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و زندگی، از اجزا شادکامی هستند. از نظر ایشان ۷ عامل شادکامی عبارت هستند از شناخت مثبت، تعهد اجتماعی، خلق مثبت، احساس کنترل زندگی، سلامت جسمی، رضایت از خویشتن و هوشیاری روانی (علی پور، نوربالا، اژه‌ای و مطیعیان ۱۳۷۹) که به‌طور عمده با حمایت اجتماعی مربوط هستند. بنابراین، می‌توان اظهار داشت تغییرات منفی و کاهش در حمایت اجتماعی نه تنها شرایط ایجاد افسردگی را فراهم می‌کند (قدسی ۱۳۸۲: ۳) که موجب رخت برپرستن شادکامی نیز می‌گردد (شکل ۱).

بنابراین، هرچند علت اصلی و ساختاری گرایش به مواد مخدر، وقوع آنومی است، لیکن این مقاله بر شبکه روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی منبعث از آن تأکید دارد که از مهم‌ترین عوامل گرایش به مواد مخدر و در نتیجه علل اعتیاد معرفی شده‌اند (رسول‌زاده طباطبایی و آقامحمدیان ۱۳۸۲).



شکل ۱

شبکه روابط اجتماعی

رویکرد شبکه‌ای دریافت ما را از ارتباطات انسانی گسترده‌تر کرده است. در حالی که به‌طور کلی اندیشه شبکه‌های اجتماعی، اندیشه جدیدی نیست. مفاهیم گروه‌سنجی و گروه‌نگاری بیش از نیم قرن قدمت دارند و مفهوم شبکه‌های اجتماعی نیز تنها دو دهه از آنها جوان‌تر است (ویندال، سیگنایزر و اولسون ۱۳۷۶: ۱۳۲ و ۱۳۱). شبکه عبارت است از مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به‌هم پیوسته. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن

یک منحنی خود را قطع می‌کند. اینکه نقطه اتصال چه چیزی است به طور مشخص به نوع شبکه بستگی دارد. توپولوژی^۱ که به مطالعه شبکه‌ها می‌پردازد، این نکته را مشخص می‌سازد که اگر دو نقطه اتصال، به یک شبکه تعلق داشته باشند، در آن صورت فاصله (یا شدت و فراوانی تعامل) بین آن دو نقطه (یا جایگاه اجتماعی) کوتاه‌تر (یا فراوان‌تر یا شدیدتر) از زمانی است که این دو نقطه به یک شبکه تعلق نداشته باشند. از سوی دیگر، در درون یک شبکه خاص، فاصله‌ای بین جریان‌ها وجود ندارد و یا فاصله بین نقاط یکسان است. بنابراین، فاصله (فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) یک نقطه یا جایگاه، از صفر (برای هر یک از گره‌های شبکه) تا بی‌نهایت (برای هر نقطه خارج از شبکه) تغییر می‌کند. شبکه‌ها، ساخت‌هایی بازند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را درون خود پذیرا شوند تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند یعنی مادام که از کدهای ارتباطی مشترک (برای مثال ارزش‌ها یا اهداف کارکردی) استفاده می‌کنند (کاستلز ۱۳۸۰: ۵۴۴-۵۴۵).

پژوهشگران (غالباً پژوهشگران جامعه‌شناس) درباره شبکه‌ها، بر این واقعیت تأکید دارند که ارتباط تنها یکی از سه دسته محتوای روابط اجتماعی در شبکه‌ها است (دو دسته دیگر عبارتند از مبادله، و هنجار). این سه نوع محتوا با یکدیگر در ارتباط هستند، ولی می‌توان سه گونه اصلی از شبکه‌ها را به این ترتیب تشخیص داد: شبکه‌های ارتباطی، شبکه‌های مبادله، و شبکه‌های هنجاری (ویندال، سیگنایزر، و اولسون ۱۳۷۶: ۱۳۲ و ۱۳۱).

راجرز^۲ شبکه ارتباطی را مجموعه‌ای از افراد مربوط به هم می‌داند که از طریق جریان‌های ارتباطی الگودار به هم پیوسته‌اند. از این رو، تحلیل شبکه ارتباطی عبارت است از مطالعه پیوندهای میان افراد که از راه تسهیم اطلاعات در ساختار ارتباطی (شبکه) به وجود آمده است. بنابراین تعاریف، می‌توان به خصلت فراگیر این‌گونه شبکه‌ها پی برد. به این معنی که هر فرد از افراد جامعه در عمل به یک یا چند شبکه ارتباطی تعلق دارد (همان ۱۳۷۶: ۱۳۰). بررسی ساختارهای اجتماعی نوظهور در حوزه‌های مختلف فعالیت و تجربه انسانی نیز ما را به این

نتیجه فراگیر رهنمون می‌سازد که به عنوان روندی تاریخی، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات هر روز بیش از پیش پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابند (کاستلز ۱۳۸۰: ۵۴۳).

حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی چیست و چگونه شکل می‌گیرد یا از میان می‌رود؟ وایس شش دسته از عناصر رابطه‌ای را در تعریف حمایت اجتماعی معرفی می‌کند: دل‌بستگی، انسجام اجتماعی، فرصت رفتار پرورش‌دهنده، اطمینان از ارزش داشتن، احساس پیوند قابل اعتماد، و راهنمایی در موقعیت‌های تنیدگی‌زا (قدسی ۱۳۸۲: ۴). هاوز حمایت اجتماعی را نوعی مبادله بین فردی می‌داند که پیوندهای عاطفی، کمک‌های مؤثر‌اِیزاری، ارائه اطلاعات و اظهارنظر و ارزیابی دیگران را دربرمی‌گیرد. ساراسون حمایت اجتماعی را ادراک فرد از اینکه مورد محبت و علاقه دیگران است، برای دیگران ارزش دارد و به حضور افرادی که آمادگی همیاری و مساعدت به فرد را در موقعیت‌های فردی دارند، تعریف می‌کند. کهن و آنتونیس می‌کند. کهن و آنتونیس حمایت اجتماعی را ترکیبی از سه عنصر عاطفه، تصدیق و یاری تعریف کرده‌اند. عاطفه شامل ابراز عشق و محبت، تصدیق، آگاهی از رفتار و بازخوردهای مناسب، و یاری، شامل مساعدت مستقیم (مانند پول قرض دادن و یاری دادن در انجام کارها) است. گانستر و ویکتور حمایت اجتماعی را به دو نوع کارکردی و ساختاری طبقه‌بندی می‌کنند: حمایت اجتماعی ساختاری دربرگیرنده امور عینی و به‌ویژه روابط اجتماعی رسمی یا غیررسمی فرد با دیگران و تعدد نقش‌هایی است که او ایفا می‌کند و به همین دلیل، حمایت ساختاری ناظر به شبکه روابط اجتماعی فرد با دیگران است؛ به‌ویژه تعداد افرادی که باهم تعامل دارند، نوع و میزان ارتباطاتی است که مجموعه‌ای از افراد را در یک شبکه اجتماعی معین به هم پیوند می‌دهد. در حالی که حمایت اجتماعی کارکردی یا کنشی بعد کیفی روابط اجتماعی است که فرد برقرار می‌کند و تا حد زیادی به ویژگی‌ها و خصیصه‌های روابط اجتماعی مربوط می‌شود و اهمیت آن از این‌رو است که روابط مذکور تا چه حد می‌تواند برای فرد در برخورد با فشارهای روانی و اجتماعی نقش محافظ و تعدیل‌کننده داشته باشد. به همین اعتبار، این نوع حمایت ناظر بر آثار و نتایجی است که از رابطه‌ها و تعامل‌های اجتماعی برای

فرد حاصل می‌شود و چند شکل عمده دارد: حمایت اطلاعاتی (از قبیل ارائه اطلاعات و راهنمایی برای رفع مشکل)، حمایت ایزاری (نظیر پول قرض دادن) و حمایت عاطفی (مانند تعامل صمیمانه یا روابط احترام‌آمیز و تقویت عزت نفس فرد و حس ارزشمندی در وی) (قاسمی ۱۳۸۲). از نظر چلبی (۱۳۷۵: ۱۵۸) حمایت اجتماعی عبارت است از روابط و مبادله‌های نامتقارن گرم در شئونات مختلف زندگی اجتماعی که ابعاد مختلف روابط امداد رسانی داوطلبانه را در سه بعد معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، بعد مادی (کمک‌های اقتصادی)، بعد عاطفی (ابراز همدردی) و بعد منزلتی (اعاده کرامت انسانی) شامل می‌شود. در هر حال، روانشناسان شناختی تأکید دارند که ادراک حمایت به این دلیل مهم است که مردم از اینکه چگونه دنیایشان را تفسیر می‌کنند تأثیر می‌پذیرند، نه از اینکه دنیایشان چگونه هست (قاسمی ۱۳۸۲). به این ترتیب، آشکار می‌شود که حمایت اجتماعی بیش از هر چیز تابع روابط اجتماعی و عضویت‌های گروهی است (قدسی ۱۳۸۲: ۴).

سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که از عناصر تشکیل دهنده آن روابط اجتماعی و عضویت گروهی است. حمایت اجتماعی به عنوان پدیده‌ای رابطه‌ای شکل مهمی از سرمایه اجتماعی است که با وضعیت روانی افراد رابطه دارد. حمایت اجتماعی با سلامت روانی رابطه مثبت و با افسردگی رابطه منفی دارد (قدسی ۱۳۸۲: ۲).

مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی عبارتند از (رسول‌زاده طباطبایی و آقامحمدیان ۱۳۸۲):

۱) مهارت‌های ارتباطاتی،

۲) توانایی اظهار نظر، و

۳) توانایی مخالفت و رد کردن.

نقش شبکه روابط اجتماعی و پیوندهای ضعیف و قوی در حمایت اجتماعی

استفاده از مواد مخدر را می‌توان از جمله سبک‌های مقابله^۱ غیر مؤثر در مواجهه با تنیدگی یا فشار روانی دانست. ناتوانی در حل مسئله و در نتیجه افزایش فشار روانی می‌تواند موجب بروز و تشدید افسردگی گردد (خدابخش، کریمیان و عباسی فرد ۱۳۸۲).

شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط

شبکه‌های ارتباطی و به‌ویژه شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط، پشتیبان شبکه‌های اجتماعی‌اند و اغلب به شکلی جدایی‌ناپذیر از یکدیگر عمل می‌کنند. به‌وسیله شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط مردم در شبکه‌های اجتماعی به یکدیگر می‌پیوندند و از طریق شبکه‌های اجتماعی، مردم موقعیت‌هایشان را که به هنگام استفاده از شبکه‌های کامپیوتری در اختیار دارند، درمی‌یابند. به این ترتیب، آشکار است که شبکه‌های ارتباطاتی کامپیوتر واسط، شبکه‌های اجتماعی مستظهر به کامپیوتر هستند^۱ (Wellman 2001).

سیستم‌های تابلوی اعلانات الکترونیک به عنوان نخستین شبکه‌های کامپیوتری، مستلزم تجهیزات پیچیده‌ای نبودند و تنها به کامپیوتر شخصی^۲، مودم^۳ و خط تلفن احتیاج داشتند. کامپیوتر از حالت شخصی خارج گردید و در حلقه ارتباطات گروهی وارد و مفهوم نوینی به نام گروه الکترونیک^۴ متولد شد (محسنی ۱۳۷۵: ۲۷۱). چیزی که هوارد راینگلد^۵ (۱۹۹۳) اجتماع مجازی^۶ می‌نامد. هر چند اصطلاح جامعه الکترونیک^۷ هنوز به متون جامعه‌شناسی راه نیافته است، ولی باید پذیرفت که پیدایی صور نوین ارتباط در شبکه‌های بزرگ کامپیوتری همانند اینترنت، زمینه‌ساز فضاهای اجتماعی جدیدی گشته است. فضاهایی بدون مرز که روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (محسنی ۱۳۷۵: ۲۷۱).

به این سان تکنولوژی‌های نوین اطلاعات، اقصی نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی بر ساخته از ابزارها به یکدیگر پیوند می‌دهند و ارتباطات کامپیوتری، مجموعه گسترده‌ای از اجتماعات مجازی را به وجود آورده‌اند (کاستلز ۱۳۸۰: ۴۸). این اجتماعات بنا بر تعریف راینگلد در ورای استفاده از ارتباطات کامپیوتر واسط، برای روابط اجتماعی غیررسمی و همچنین استفاده‌های ابزاری از این سیستم، به معنای شبکه الکترونیکی ارتباطات متقابلند که محدوده‌شان را خود تعریف می‌کنند و پیرامون علایق یا هدف‌های مشترک شکل می‌گیرند. هر چند، در برخی مواقع

1- Computer-supported social networks

2- Personal Computer or PC

3- Modem

4- Electronic group or e-group

5- Howard Reingold

6- Virtual Community

7- Electronic Society

ایجاد ارتباط به خودی خود به هدف تبدیل می‌شود (کاستلز ۱۳۸۰: ۴۲۰).

ما در اینجا بر شکل‌گیری و توسعه زندگی در اجتماعات شبکه‌ای اعم از برخط^۱ و کنار خط^۲ تمرکز داریم که نسبت به زندگی در گروه‌های سنتی تفاوت‌های بارزی دارد:

۱. زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری، توان اتصال با تعداد بزرگتری از گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد، در حالی که میزان گرفتار شدن در هر یک از این گروه‌ها را کاهش می‌دهد.

۲. زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری، کنترل هر یک از گروه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد، و در عین حال تعهد هر یک از گروه‌ها را نیز نسبت به تأمین یک وضعیت خوب شخصی پایین می‌آورد.

۳. زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری ایجاب می‌کند که افراد بطور فعال شبکه‌های تکه‌تکه شده و پیوندهای تنک بافت را نگه دارند. در مقابل، در گروه‌ها، برای افراد راحت‌تر است که کنار بنشینند و بگذارند پویایی گروه و ساخت‌های فشرده متراکم بافت، کار را انجام دهند. به همین دلیل است که احتمال مقاومت شبکه‌های دوستی در مواقع سرریز شدن^۳ بسیار کمتر از شبکه‌های خویشی است.

۴. زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری، احتمال می‌رود نسبت تعامل‌ها را از تعامل‌های مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی افراد در بدو تولد - نظیر سن، جنسیت، نژاد و قومیت - به سمت تعاملات مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی در طول زندگی - نظیر سبک‌های زندگی، هنجارهای مشترک و علایق داوطلبانه - سوق می‌دهد.

۵. زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری، می‌تواند پیوندهای متقاطع بین گروهی^۴ را که گروه‌های اجتماعی را متصل و منسجم می‌سازد، بسط دهد. به جای این‌که چنین گروه‌هایی در جعبه‌های کوچک به شدت درهم تنیده، منزوی باشند.

۶. زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری، می‌تواند گزینه‌ها را افزایش دهد؛ در حالی که

1- Online

2- Offline

3- Overload

4- Cross-cutting ties

عضویت‌های گروهی قابل لمس را که احساس تعلق ایجاد می‌کنند، کاهش می‌دهد.
 ۷. کوتاه سخن این‌که، زندگی در شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری، هویت و فشارهای تعلق به گروه‌ها را کاهش می‌دهد، در حالی که فرصت، امکان^۱، جهانی شدن و عدم قطعیت را از طریق مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، افزایش می‌دهد.

در نتیجه، توانایی شبکه‌های کامپیوتری در اتصال مردم به یکدیگر، و رای همسایگی بلاواسطه و گروه سازمانی، می‌تواند مبنایی برای همبستگی مکانیکی پیوندهای بین گروهی را که دورکیم آرزویش را داشت و هرگز ندید، فراهم آورد (Hampton & Wellman 1999).

برخی شواهد تجربی از پیامدهای رابطه‌ای تعامل در شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط

بارکر و دیگران با مرور تحقیقات انجام شده در قلمرو ارتباط کامپیوتری و بعد رابطه‌ای فرایندهای گروهی، ۱۸ قضیه مطرح کرده‌اند. قضایای مرتبط با مقاله حاضر عبارتند از (Barker et al. 2000):

قضیه ۱۵: در بدو امر اعضای گروه ارتباط کامپیوتری در مقایسه با اعضای گروه رو در رو رضایت کمتری از گروهشان را تجربه خواهند کرد. ولی الف) همچنان‌که رضایت در ارتباط کامپیوتری بالا می‌رود، گمنامی کاهش می‌یابد، ب) با افزایش رضایت در ارتباط کامپیوتری، خودآگاهی نیز فزونی می‌گیرد.

قضیه ۱۷: با مرور زمان، رابطه‌ای مثبت میان استفاده از تکنولوژی، رضایت، و توسعه رابطه‌ای در گروه‌های ارتباط کامپیوتری به وجود خواهد آمد.

قضیه ۱۸: با مرور زمان، اعضای گروه ارتباط کامپیوتری خصلت‌های تکنولوژیکی را برای جفت و جور کردن با نیازهای رابطه‌ای‌شان، متناسب خواهند کرد.

مک‌کنا و بروق در تحقیق خود یک چارچوب سازمانی برای تحقیق درباره روان‌شناسی اجتماعی اینترنت ارائه کرده‌اند. در این تحقیق دوره زمانی تعامل اجتماعی اینترنتی در سه فاز

مجزا تحلیل شده است: ۱) چه چیزی موجب می شود که شخص به دنبال تامین نیازهایش بر روی اینترنت باشد و نه هر جای دیگری؟ ۲) طی تعامل اجتماعی اینترنتی و مشارکت گروهی چه اتفاقی مشابه (یا متفاوت) با اشکال گوناگون سنتی تعامل و مشارکت می افتد؟ و ۳) تبعات تعامل اجتماعی اینترنتی برای خودانگاره، احساس هویت و حیات اجتماعی فرد چیست.

آنان در عین حال بر هر آن چیزی تأکید دارند که در درون هر یک از این فازها (بنا بر انگیزه‌هایی که فرد را پیش می رانند)، روی می دهد. به این معنی که آیا فرد برای افزایش احساس ارزشمندی خودشان بر روی اینترنت تعامل می کنند یا به این علت که هویتشان به شدت به یک گروه اینترنتی خاص (انگیزه‌های مربوط به خود) متصل است، و یا این که تعاملشان، به وسیله نیاز به تعلق داشتن و داشتن روابط نزدیک و صمیمی با دیگران (اهداف اجتماعی مربوط) هدایت شده است (McKenna & Bargh 1999).

آنان پیشتر در تحقیقی بر روی گروه‌های خبری اینترنتی، رابطه میان انگیزه‌ها (و انگیزه‌ها)ی احراز هویت با این گروه‌های اجتماعی و مشارکت در آنها را مورد بررسی قرار داده بودند. ایشان در آن مقاله ضمن مرور مباحث نظری درباره انگیزه‌های احراز هویت با یک گروه اجتماعی و اشاره به مهمترین این انگیزه‌ها یعنی کسب عزت نفس، کاهش بی‌یقینی درباره خود، و ارضای نیاز بنیادی تعلق داشتن، بحث هویت‌های ملکوک^۱ را پیش می‌کشند و این امر را مطرح می‌سازند که چگونه این‌گونه افراد از احراز هویت محروم هستند. حال آنکه، پیدایی و گسترش گروه‌های خبری اینترنتی، به عنوان گروه‌های مجازی و گونه تازه‌ای از گروه‌های اجتماعی، فرصت بی‌سابقه‌ای را برای سهم شدن چنین افرادی در فواید عضویت گروهی فراهم می‌آورند. پس سه پژوهش طراحی گردید. فرضیه مطالعه نخست عبارت بود از این که احتمال درگیری افراد با هویت‌های ملکوک^۲ در گروه‌های خبری اینترنتی و مهم‌تر دانستن عضویت در چنین گروه‌های مجازی در زندگی‌شان، بیشتر از افراد با هویت‌های حاشیه‌ای - هویدا^۳ و هویت‌های جریان اصلی^۴ (همچنان که توسط واکنش‌های رفتاری‌شان به بازخوردهای ارزیابانه

1- Stigmatized identities

2- Concealable stigmatized identities

3- Marginalized-conspicuous identities

4- Mainstream identities

دیگر اعضای گروه نشان داده شده است) می‌باشد.

دو تحقیق دیگر به آزمون یک مدل فرایندی از حاشیه‌زدایی^۱ هویت اختصاص یافت و متغیر وابسته در هر دو، میزان پذیرش خود هویت حاشیه‌ای و افشای این بخش پیشتر سری از خود، نزد دیگران نزدیک بود. بنابراین، هر چقدر که مشارکت در گروه خبری منجر به هویت‌یابی گروهی قویتری شود، فرد به سمت پذیرش این هویت به عنوان بخشی از خودانگاره‌اش (و نه جدای از آن) سوق پیدا می‌کند. تحقیق دوم بر منافع و هویت‌های جنسی حاشیه‌ای متمرکز بود، و تحقیق سوم تکرار تحقیق دوم برای اعضای گروه‌های خبری مرتبط با ایدئولوژی‌ها و آرا سیاسی حاشیه‌ای بود.

نتایج تحقیق نخست آشکار ساخت که بنابر میزان مشارکت فعال هر عضو و تأثیر بازخورد مثبت و منفی که دیگر اعضا بر رفتار هر عضو داشتند، گروه‌های خبری مرتبط با هویت‌های حاشیه‌ای مردود در زندگی اعضایشان مهم‌تر هستند. نتایج پژوهش‌های دوم و سوم، از این پیشتر رفتند و در تایید مدل حاشیه‌زدایی، آشکار ساختند که درگیری گروهی موجب افزایش اهمیت هویت گروهی و در نهایت پذیرش خود آن هویت می‌گردد (McKenna & Bargh 1998).

مک‌کنا، گرین و گلیسن با مرور پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای که بر روی روابط صمیمی انجام گرفته است، تحقیق خود را آغاز کرده‌اند. بنا به مرور ایشان، این پژوهش‌ها آشکار ساخته‌اند که هم افشای خود^۲ و هم افشای طرف مقابل^۳، هر دو، تجربه صمیمیت را در تعاملات افزایش می‌دهد. لیکن افشاگری^۴ اطلاعات خیلی محرمانه درباره خود شخص به‌طور معمول فقط بعد از پاگرفتن دوستی و استقرار اعتماد میان طرف‌های رابطه اتفاق می‌افتد. گمنامی نسبی تعاملات اینترنتی به مقدار زیادی مخاطره‌های چنین افشاگری را به‌ویژه افشارگری درباره ویژگی‌های محرمانه خود کاهش می‌دهد. چراکه فرد می‌تواند باورها و واکنش‌های عاطفی درونی خود را با کمترین واهمه از تقبیح و مجازات ابراز کند.

از این‌رو، افشای خود با مصاحبان بر خط همانند پدیده بیگانگان در ترن^۵ است که در آن

1- Demarginalization

2- Self-disclosure

3- Partner disclosure

4- Disclosing

5- Strangers on a train

بعضی وقت‌ها افراد اطلاعات بسیار محرمانه را با همراهان ناشناسشان در میان می‌گذارند. درلگا و چیکن^۱ خاطر نشان ساخته‌اند که به‌طور معمول افراد با بیگانگان بیشتر دست به افشای خود می‌زنند. زیرا، این بیگانگان هیچ دسترسی به حلقه اجتماعی شخص ندارند و در نتیجه مرزهای دو طرف مورد تعرض قرار نخواهد گرفت. اما، برخلاف پدیده بیگانگان در ترن، افراد اغلب تعامل با آنانی را که بر خط شناخته‌اند، ادامه می‌دهند. بنابراین، آن افشای خود اولیه، بنیانی را برای تداوم یک رابطه نزدیک پایه‌گذاری می‌کند.

دلیل دوم برای میزان بیشتر افشای خود بر خط فقدان خصلت‌های دروازه‌بانی^۲ - خصلت‌های به سادگی قابل تشخیصی نظیر ظاهر فیزیکی (جذابیت)، یک داغ آشکار مانند لکنت زبان، یا کمرویی مشهود یا اضطراب اجتماعی - برای استقرار هر رابطه نزدیکی است. این دروازه‌ها افرادی را که از لحاظ فیزیکی کمتر جذاب هستند یا از لحاظ اجتماعی کمتر مهارت دارند، از بسط روابط به مرحله‌ای که در آن افشای اطلاعات محرمانه می‌تواند آغاز شود، باز می‌دارند. تحقیقات بسیاری نشان داده است که این خصلت‌ها نه تنها در نخستین برخوردها بلکه در تعیین اینکه آیا یک رابطه دوستی یا عاشقانه شکل بگیرد یا نه، تأثیر زیادی دارند. در اینترنت چنین خصلت‌هایی در بادی امر آشکار نیستند و در نتیجه شکل‌گیری روابط بالقوه را متوقف نمی‌سازند.

ساختار منحصر به فرد اینترنت به افراد اجازه می‌دهد که به سادگی دیگرانی را که علایق خاص مشترکی دارند، در واقع ما به آنانی که مشابه ما هستند و در آرامان شریکند، بیشتر راغب هستیم. حال آنکه یافتن دیگرانی که علایق مشترکی با شخص دارند، در حوزه محلی شخص، ممکن است دشوار باشد و وقتی هم که افراد به شیوه سنتی می‌خواهند یکدیگر را بشناسند، عموماً بسیار وقت می‌برد تا دریابند که مشترکاتی دارند و به چه میزان.

به این ترتیب، در روابط بر روی اینترنت به واسطه سهولت بیشتر افشای خود و به همان اندازه پی‌ریزی رابطه بر مبنای اساسی تری همچون علایق مشترک (در مقابل جذابیت فیزیکی صرف)، به‌طور معناداری سریع‌تر از روابطی که کنار خط آغاز شده‌اند، نزدیکی و صمیمیت بسط می‌یابد. در صورتی که چنین روابطی بر مبنای عوامل اساسی تر و عمیق‌تری شکل بگیرند،

می‌توان انتظار داشت که این روابط نه فقط به سرعت صمیمی شوند، بلکه در طول زمان پایدار باشند. روابط شکل گرفته بر این مبنای باید بتوانند که در هنگامی که خصلت‌های دروازه‌بانی دست‌اندرکار هستند، یک ملاقات رو در رو را بهتر حفظ کنند.

مک کسنا، گرین و گلیسن برای آزمودن این پیش‌گویی‌ها دو پیمایش و یک تحقیق آزمایشگاهی را انجام دادند. در پیمایش نخست آنان این موضوع را در معرض آزمون گذاشتند که آیا کسانی که خود راستین^۱ خود را بیشتر بر خط می‌گذارند، بیشتر محتمل است که روابط مجازی نزدیکی^۲ برقرار سازند و سپس این روابط را در زندگی‌های کنار خط‌شان ادغام نمایند؟ در پیمایش دوم، پایداری این روابط ظرف دو سال بعدی آزمون شد و در مطالعه سوم، نقشی که گمنامی و خصلت‌های دروازه‌بانی در توسعه احساس تمایل به تعامل‌های بر خط (در مقابل تعامل‌های رو در رو) بازی می‌کنند، آزمایش شد.

این دو پیمایش پیش‌بینی‌ها را تایید کرد که: (۱) افراد با آنانی که بر روی اینترنت ملاقات می‌کنند، روابط نزدیک و دیرپایی برقرار می‌کنند، (۲) صمیمیت بر روی اینترنت با نرخ سریعت‌ر از زندگی واقعی بسط می‌یابد، و (۳) افراد این روابط را به نحو موفقیت‌آمیزی در زندگی واقعی‌شان ادغام می‌کنند. اما مفروضات مدل درباره فرایندهایی که طی آنها این اتفاق‌ها روی می‌دهد، آزموده نشدند و به همین منظور آزمایشی (مطالعه سوم) در آزمایشگاه انجام شد.

در این آزمایش، اثر حضور (به شکل تعامل‌های رو در رو) در مقابل غیاب (به شکل تعامل‌های اینترنتی) خصلت‌های دروازه‌بانی رابطه سنتی (مانند ظاهر فیزیکی)، بر میزانی که بیگانگان بعد از نخستین تعاملشان، یکدیگر را دوست می‌دارند، ارزیابی گردید. چنین پیش‌بینی می‌شد که در نوبت اول، کسانی که برای نخستین بار یکدیگر را بر روی اینترنت ملاقات می‌کنند، از کسانی که نخستین مواجهه‌شان رو در رو بوده است، یکدیگر را بیشتر دوست خواهند داشت. در نوبت دوم نیز پیش‌بینی می‌شد که میزان دوست داشتن یکدیگر در شرایط اینترنتی، حتی پس از آخرین ملاقات که به صورت رو در رو صورت گیرد، از میزان دوست داشتن در شرایط کنترل (ملاقات رو در رو) بیشتر خواهد بود.

در مطالعه سوم نیز پیش‌بینی‌ها تأیید شدند و آشکار گردید که هنگامی که افراد بر روی اینترنت یکدیگر را ملاقات می‌کنند، در غیاب خصلت‌های دروازه‌بانی که در موقعیت‌های رو در رو حاضر هستند، یکدیگر را بیشتر از زمانی که نخستین ملاقات رو در رو باشد، دوست می‌دارند. به علاوه، این تعلق خاطر از پس مواجهه رو در رو سستی نمی‌گیرد (McKenna, Green & Gleason 2002).

برق، مک‌کنا و فیتزسیمونز نیز با مرور بحثی مشابه بحث پیشین، سه تحقیق آزمایشگاهی ترتیب دادند. دو آزمایش نخست برای بررسی اینکه آیا خودانگاره راستین^۱ فرد در تعامل اینترنتی با آشنایی تازه، بیشتر از تعامل رو در رو سستی در دسترس است؟ و آزمایش سوم برای بررسی اینکه آیا شخصی که بهتر می‌تواند کیفیات خود راستینش را با یک مصاحب اینترنتی در میان بگذارد تا یک مصاحب رو در رو، مصاحبش را وامی‌دارد تا بر مبنای اظهارات شخص (و در نتیجه خود راستین تا خود واقعی^۲) او را دریابد؟

آزمایش اول نشان داد که صفات مرتبط با خود راستین شخص در مواجهه‌ای اینترنتی با یک بیگانه بیش از تعاملی رو در رو در دسترس است و بنابر آزمایش دوم، آشکار گردید که این امر تنها به انتظار شرکت‌کننده از تعامل در یک شیوه ارتباط، و یا فعال‌سازی استراتژیک یک خودانگاره در نتیجه شیوه ارتباط، بستگی ندارد. آزمایش سوم نیز ضمن اینکه این یافته را به صورت مجدد تأیید کرد که افراد وقتی یکدیگر را برای بار اول از طریق اینترنت ملاقات می‌کنند، بیشتر دوست خواهند داشت، تفحصی در دلایل این پدیده نیز به عمل آورد. زیرا، همان‌طور که این آزمایش شیوه‌هایی را آزمود که افراد خودشان را به مصاحبان تازه‌شان ارائه می‌نمایند، این امر را نیز که چگونه کیفیت‌هایی را که آرزویش را دارند، فراقکتی می‌کنند، مورد آزمایش قرار داد. چنان‌که پیش‌بینی می‌شد آنانی که از طریق اینترنت تعامل می‌کردند، در ارائه خود راستینشان به مصاحبان موفق‌تر از دیگران بودند. به همین نحو، میان توصیف مصاحب از شرکت‌کننده و توصیف خود راستین شخص شرکت‌کننده، به‌طور معناداری سازگاری بهتری موجود بود تا با توصیف خود واقعی وی. در نتیجه، چنان‌که پیش‌بینی می‌شد، در مقایسه با تعامل‌های رو در رو، افراد از طریق اینترنت بهتر می‌توانند جنبه‌هایی از خودهای درونی یا راستینشان را ارائه نمایند تا توسط دیگران پذیرفته شوند (Bargh, McKenna & Fitzsimons 2002).

پارکس و فلویید با هدف آزمودن دنیای رابطه‌ای که به‌طور واقعی در گروه‌های بحث اینترنتی (که گروه‌های خبری خوانده می‌شوند) ایجاد شده است، تحقیق خود را آغاز می‌کنند. زیرا رشد و توسعه روابط شخصی را مقوله‌ای محوری در بحث عمده‌تر روابط انسانی در فضای سایبرنتیک می‌دانند. از این‌رو، پرسش‌های اصلی ایشان عبارت بودند از: (۱) شکل‌گیری روابط شخصی در گروه‌های خبری اینترنتی چقدر معمول است؟ (۲) افرادی که چنین روابطی را شکل می‌دهند، چه کسانی هستند؟ (۳) این روابط تا چه اندازه نزدیک می‌شوند و بسط می‌یابند؟ و (۴) آیا روابط پا گرفته بر روی خط، به دیگر قلمروها نیز بسط می‌یابند؟

ایشان پس از مرور آرای ضد و نقیض علمی و عمومی درباره امکانات روابط بر خط، تحقیق خود را پی می‌گیرند. این تحقیق آشکار می‌سازد که: (۱) وجود روابط شخصی در گروه‌های خبری اینترنتی، امری معمول است (۶۰/۷٪ پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که آیا با هیچ‌یک از افرادی که برای نخستین بار در این گروه‌های خبری اینترنتی ملاقات کرده‌اند، رابطه‌ای شخصی پیدا کرده‌اند، پاسخ مثبت داده‌اند). (۲) زنان به طرز معناداری بیش از مردان رابطه شخصی برقرار کرده‌اند. سن و تأهل رابطه‌ای با احتمال برقراری رابطه شخصی نشان ندادند. بهترین پیشگوها برای اینکه فرد رابطه‌ای شخصی برقرار می‌کند یا نه، سابقه و تواتر شرکت در گروه‌های خبری بود (هرچه سابقه و تواتر شرکت بیشتر، احتمال برقرار کردن رابطه شخصی هم بیشتر). (۳) روابط شخصی توزیعی نرمال و حالتی میانه از نزدیکی را نشان می‌دهند و در عین حال پاسخگویان همگرایی بیشتری را در میان تماس‌های بر خط خود گزارش داده‌اند تا میان تماس‌های کنار خط و غیراینترنتی‌شان. (۴) روابط پا گرفته در گروه‌های خبری اینترنتی، اغلب به قسمتی گسترش می‌یابند که تعامل در دیگر کانال‌ها یا موقعیت‌ها را نیز دربرمی‌گیرند. در واقع، این روابط که بر خط پا گرفته‌اند، به ندرت آنجا می‌مانند، آن‌چنان که افراد شاید نتوانند میان فعالیت‌های برخط و کنار خط‌شان، خط روشنی رسم نمایند (Parks & Floyd 1996).

پارکس و رابرتس با هدف ترسیم توپوگرافی رابطه‌ای یکی از عمده اماکن اجتماعی روی اینترنت یعنی مو'ها یا ماد'ها، تحقیقی انجام دادند که به‌طور عمده مقایسه یافته‌های تحقیق

1- MOD (Multi-User Dimension, Object-Oriented)

2- MUD (Multi-User Dimension or Dungeon)

پیشین با یافته‌های دیگران و یافته‌های تحقیقی تازه ولی این بار در مونها است. ایشان ابتدا با توصیف این مکان عامه‌پسند اینترنتی و با ذکر رابطه آن با مطالعه روابط شخصی، آغاز می‌کنند. آنگاه به پرسش‌های تحقیق خود - که همان پرسش‌های تحقیق پیشین هستند - می‌پردازند. نتایج تحقیق به این شرح است: (۱) قریب به اتفاق پاسخگویان (۹۳/۶٪) دست‌کم یک رابطه شخصی پایدار در طی تعاملاتشان در مو بر قرار کرده که به‌طور متوسط ۷/۲۷ ساعت در هفته وقت صرف آن می‌کرده‌اند. (۲) این روابط شخصی، انواع متنوعی بوده‌اند ولی به‌طور عمده در دوستی‌های نزدیک (۴۰/۶٪)، دوستی (۲۶/۳٪) و روابط عاشقانه (۲۶/۳٪) طبقه‌بندی می‌شدند. به علاوه، نسبت بزرگی (۸۳/۶٪) از روابط گزارش شده با اعضای از جنس مخالف بوده است. (۳) کلیه نتیجه‌ها برای عمده پاسخگویان نشان می‌دهد که نمره روابط بر خطشان بالاتر از حد وسط تقریباً تمام مقیاس‌های اندازه‌گیری توسعه رابطه‌ای بود. تنها استثنا میزان معرفی مصاحب رابطه‌ای بر خط به اعضای شبکه اجتماعی کنار خط پاسخگو است که به‌طور معناداری زیر حد وسط مقیاس قرار می‌گرفت (فقط ۴۰/۸٪ نمونه نمره‌ای بالای حد وسط دادند). (۴) پاسخگویان به‌طور متوسط و معنادار در هفته ساعات بیشتری را با مصاحبان رابطه‌ای زندگی واقعی می‌گذراندند. (۵) روابط شخصی پا گرفته در مونها به‌ندرت آنجا باقی مانده‌اند (Parks & Roberts, 1997) (۹۲/۷٪).

پستمز، اسپیرز و لی در مقاله خود سلسله‌ای از مطالعاتی را که آثار ارتباط کامپیوتری را بر نفوذهای اجتماعی در گروه‌ها می‌آزمایند، مرور می‌کنند. ایشان ضمن معرفی اجمالی مدل مورد استفاده خود^۱، چنین اظهار می‌دارند: این چارچوب ادعان دارد که عواملی که به‌طور سنتی به عنوان عوامل موجه تفرزدایی معرفی شده‌اند - نظیر ترکیب گمنامی و ذوب گروهی یا تعامل از طریق یک شبکه کامپیوتری - واقعاً می‌توانند برجستگی گروه و انطباق با هنجارهای گروه را تقویت کنند و به این وسیله تأثیر بر انواع مرزهای اجتماعی را تشدید کنند.

نیمی از مطالعات حاکی از توان اینترنت برای تخریب مرزهای اجتماعی است. آن‌چنان که برای بسیاری از کاربران، جذابیت اینترنت در حرکت آزاد و قابلیت آن در اتصال افراد صرف‌نظر از

زمان و مکان نهفته است. وقتی که یک کامپیوتر بخشی از یک چنین شبکه‌ای است، چنان‌که توسط عمومیت یافتن پست الکترونیک و کاربردهای مربوط آشکار شده است، می‌تواند ابزاری نیرومند برای ارتباط باشد. بنابر مقیاس جهانی این تکنولوژی و سرعت فراگیری نوآوری، ارتباط کامپیوتری استعداد آشکاری برای درهم شکستن مرزهای ملیت، نژاد، زبان، و ایدئولوژی دارد. از سوی دیگر، الباقی مطالعات چنین حکایت دارند که این تکنولوژی‌های ارتباطی جدید، به‌وسیله برپا داشتن مرزهایی جدید به همان کیفیت فرو ریختن مرزهای پیشین، چشم‌اندازهایی برای پیدایی و شکوفایی هویت‌های اجتماعی و اجتماعات (مجازی) جدید ارائه کنند. مفروض بارز این هر دو تحلیل از این قرار است که ارتباط الکترونیک به درنوردیده شدن مرزهای سنتی و تحلیل رفتن مبانی برخی از جهات تقسیم اجتماعی یاری می‌رساند (Postmes, Spears & Lea 1998). روبرت کرات و همکارانش در یک تحقیق طولی تأثیر روان‌شناختی و اجتماعی اینترنت را بر ۱۶۹ نفر (در ۷۳ خانوار) طی دو سال (۹۶-۱۹۹۵) سنجیده‌اند. آنان در گزارش خود ابتدا به انواع شیوه‌های استفاده از اینترنت پرداخته‌اند و با تشریح تشابه تلویزیون با اینترنت (از حیث تفریح و گرفتن اطلاعات) و تلفن با اینترنت (از حیث وجه ارتباطی آنها)، پیامدهای مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

همان‌طور که تلویزیون از جهاتی می‌تواند موجب کاهش مشارکت اجتماعی گردد، تلفن ممکن است باعث افزایش مشارکت اجتماعی شود. اما عمده استفاده اینترنت برای ارتباط، و بنابراین تأثیر آن، بیشتر مشابه تلفن است. در واقع، در تحقیق کرات و همکارانش استفاده غالب از اینترنت در منزل برای ارتباط بین شخصی بود. لیکن این امر نباید به یکی انگاشتن تعاملات و روابط بر روی اینترنت با روابط و تعاملات سنتی منجر گردد.

اینکه آیا استفاده‌های اجتماعی از اینترنت آثار مثبت یا منفی دارد، به چگونگی شکل تعادلی بستگی دارد که اینترنت میان پیوندهای قوی و ضعیف افراد برقرار می‌کند. عموماً پیوندهای قوی شخصی به وسیله قرابت فیزیکی حمایت می‌شوند. اینترنت به‌طور بالقوه اهمیت قرابت فیزیکی را در ایجاد و نگهداشت شبکه پیوندهای اجتماعی قوی کاهش می‌دهد. برخلاف تعامل رو در رو یا حتی تلفن، اینترنت فرصت‌هایی برای تعامل اجتماعی فراهم می‌آورد که به فاصله میان طرفین بستگی ندارد. افراد غالباً از اینترنت برای حفظ تماس با آنانی که روابط از پیش

موجود داشته‌اند، استفاده می‌کنند. اما، در عین حال روابط تازه بر خط نیز برقرار می‌کنند. غالب این روابط تازه ضعیف هستند.

با این وجود، یافته‌های تحقیق کرات و همکارانش تصویری سازگار با تبعات استفاده از اینترنت ارائه کرد. استفاده بیشتر از اینترنت با کاهش ارتباط پاسخگو با اعضای خانواده در خانوار، کاهش اندازه دایره اجتماعی آنان، و افزایش افسردگی و تنهایی آنان همراه بود (Kraut et al. 1998).

کرات، پژوهش طولی خود را در سه سال بعدی بر روی همان نمونه اولیه، با گروهی دیگر از همکارانش پی گرفت و دریافت که آن آثار منفی طی این دوره از بین رفته است. به علاوه، آنان در یک تحقیق طولی (۱۹۹۸-۹۹) مشابه بر روی نمونه‌ای از خریداران تازه تلویزیون و کامپیوتر دریافتند که استفاده از اینترنت، بر روی ارتباط، اشتغال اجتماعی^۱ و خوشبختی^۲ (دایره اجتماعی محلی و دور، ارتباط رو در رو، اشتغال در اجتماع^۳، اعتماد^۴ به مردم، احساس مثبت^۵، و به‌طور طبیعی مهارت کامپیوتر)، به‌طور کلی آثار مثبتی می‌گذارد. از سوی دیگر، استفاده بیشتر از اینترنت، با استرس بیشتر، دانش محلی کمتر، و تمایل کمتر به ماندن در آن منطقه محلی همراه است. لیکن، عموماً استفاده از اینترنت برای برون‌گرایان^۶ یا آنان که از حمایت اجتماعی^۷ بیشتری برخوردار هستند، دستاوردهای بهتری (مبلغ بیشتری اشتغال در اجتماع و عزت نفس، و کاهش در تنهایی، احساس منفی، و فشار زمان^۸) دارد؛ اما برای درون‌گرایان^۹ یا آنان که از حمایت اجتماعی کمتری برخوردار هستند، دستاورد بدتری دارد. استفاده بیشتر از اینترنت، برای بزرگسالان و نوجوانان تقریباً فواید متفاوتی دربردارد؛ به قسمی که برای بزرگسالان، استفاده بیشتر از اینترنت، احتمالاً با افزایش تعاملات رو در روی محلی، و نزدیکی‌شان به دوستان و بستگان دور همراه است.

کرات و همکارانش مشابَهت نتایج تحقیق برای بار دوم بر روی نمونه تحقیق قبلی، با نتایج تحقیق مستقل اخیر را ناشی از تغییراتی می‌دانند که ظرف این مدت در محیط اینترنت روی داده

- | | |
|--------------------------|------------------|
| 1- Social involvement | 2- Well-being |
| 3- Community involvement | 4- Trust |
| 5- Positive affect | 6- Extraverts |
| 7- Social support | 8- Time pressure |
| 9- Introverts | |

است. از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ تعداد امریکایی‌هایی که در منزل به اینترنت دسترسی دارند، بیش از چهار برابر شده است. در نتیجه، تعداد بیشتری از اعضای خانواده و دوستان نزدیک شرکت‌کنندگان، احتمالاً دسترسی به اینترنت پیدا کرده‌اند. به همین ترتیب، خدماتی که به صورت برخط ارائه می‌شود نیز، دستخوش دگرگونی شده‌اند. به قسمی که اخبار بیشتر، اطلاعات مفید بهداشتی، مالی، تفریحی، کاری، اجتماعی و خرید بیشتر، خدمات ارتباط همزمان جدید همچون رد و بدل پیام آتی، و خرید بر خط به‌طور گسترده قابل حصول گشته است. این تغییرات توانسته‌اند انطباق بهتری میان رفتار برخط شرکت‌کنندگان و استفاده از اینترنت در زندگی‌شان ایجاد نمایند (Kraut et al. 2002).

کیت همپتن و بری ولمن در تحقیقی در ناحیه نتویل^۱ - حومه تورنتو^۲ که با یک شبکه پرسرعت^۳ تجهیز شده بود - به مطالعه شبکه‌های اجتماعی، اشتغال شهری^۴، استفاده از اینترنت، ایستارهای سکنه پرداختند. گردآوری داده‌ها در این تحقیق به دو روش پیمایشی (با استفاده از مصاحبه به کمک کامپیوتر^۵) و قوم‌نگاری میدانی صورت گرفت. ایشان می‌خواستند بدانند برخورداری از نعمت دسترسی به اینترنت مجانی و بسیار پرسرعت، چه اثری بر انواع روابط بین شخصی افراد با دوستان، بستگان و همسایگان می‌گذارد. مقاله با این دو پرسش آغاز می‌شود که آیا پیدایی و همه‌جاگیری اینترنت و متعاقب آن نقل مکان فعالیت‌های بیشتر عمومی به قلمرو خصوصی، به کاهش مشارکت در فعالیت‌های عمومی می‌انجامد؟ و سرنوشت اجتماع و روابط اجتماعی در نتیجه رشد ارتباط کامپیوتری چه خواهد بود؟

ایشان با مرور سریعی بر بحث دامنه‌دار سرشت اجتماع، چنین جمع‌بندی می‌کنند که از دهه ۱۹۷۰ به این‌سو برخی این بحث را پیش کشیدند که اجتماع لزوماً نباید محلی باشد. این تعاملات حمایتی، اجتماع‌پذیر^۶ و هویت‌بخش^۷ است که اجتماع را تعریف می‌کند، نه آن فضای محلی که این تعاملات در آن روی می‌دهند.

1- Netville

2- Toronto

3- High-speed network

4- Civic involvement

5- Computer assisted interviewing

6- Sociable

7- Identity-giving

لذا، به واسطه اغواگری تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، چندین سناریو قابل تصور است و در واقع، هر سناریو ممکن است برای عده‌ای از افراد یا افرادی یکسان در زمان‌های متفاوت رخ دهد. در یک جامعه اطلاعاتی^۱ که کار، فراغت، و پیوندهای اجتماعی همگی از یک خانه هوشیار^۲ قابل حصول باشد، افراد می‌توانند به کلی نیاز به روابط اجتماعی مبتنی بر محل فیزیکی را انکار کنند. در عین حال، استقرار تکنولوژی در منزل، دسترسی به روابط محلی را با فراهم آوردن امکان پایداری روابط بومی (احتمالاً به قیمت شکل‌گیری پیوندهایی بیرون از خانوار) تسهیل می‌کند.

شش پرسش مشخص این تحقیق عبارت هستند از: (۱) آیا رابطه‌های معنادار، اجتماع‌پذیر و حمایتی می‌توانند همان‌طور که پیشتر در عرصه عمومی (نظیر قهوه‌خانه‌ها، کافه‌ها و پیاده‌روهای کنار خیابان) و در عرصه خصوصی (نظیر منازل و کلوپ‌ها) برقرار بودند، به‌طور برخط برقرار بمانند؟ (۲) روابط برخط چگونه به روابط کنار خط متصل می‌شوند؟ آیا زندگی برخط جایگزین، مکمل، یا ویرانگر زندگی جسمانی است؟ پیوند با اشخاص یکسان چگونه روابط برخط و کنار خط را با یکدیگر ترکیب می‌کند؟ (۳) سرنوشت اجتماع چه خواهد بود؟ آیا همچنان‌که افراد برای کار، یادگیری، و تفریح برخط‌شان در منزل می‌مانند، اجتماع نیز می‌خشکد؟ آیا همچنان‌که افراد به درون اجتماعات مجازی به ناگزیر کشیده می‌شوند، اجتماع همبستگی‌های تازه‌ای را شکل می‌دهد؟ آیا همچنان‌که افراد میان گروه‌های ذینفع در رفت و آمد هستند، اجتماع آنان را تشویق به اشتغال محدود در اجتماعات خاص و جزئی می‌کند؟ (۴) آیا اینترنت جابجایی از اجتماعات مبتنی بر جنسیت، نژاد، طبقه، و دوره زندگی را به اجتماعات مبتنی بر علایق، ایستارها، فرهنگ، رفتار و سبک زندگی مشترک تسهیل و تسریع می‌کند؟ یا اینکه تقسیم دیجیتالی جاری - در بدو امر با مشارکت گسترده و جدی مردان سفید تحصیل کرده کشورهای توسعه یافته - به تداوم قشربندی و جدایی اجتماعی منجر خواهد شد؟ (۵) آیا اینترنت محلی شدن - اشتغال شدیداً محلی (در واقع بومی) و در عین بسط دامنه پیوندهای اجتماعی که بواسطه ارتباط کامپیوتری میسر می‌گردد - را تقویت می‌کند؟ (۶) آیا اینترنت انسجام اجتماعی و

اشتغال شهری را تقویت می‌کند؟ آیا شبکه‌های اجتماعی و روابط انتقالی (دوستانِ دوستان) به راه می‌اندازد که مرزهای گروهی را قطع کنند، نهادهای برخاسته تأسیس نمایند و گروه‌های مربوط را به یکدیگر متصل سازد؟

دستاورد محتوایی تحقیق از این قرار بود که اینترنت، از طیفی از پیوندهای اجتماعی قوی و ضعیف، ابزاری^۱، عاطفی^۲، اجتماعی و نسبی^۳ حمایت می‌کند. روابط، به‌ندرت در ارتباط کامپیوتری صرف محفوظ و محدود می‌مانند، بلکه به‌صورت ترکیبی از تعاملات برخاسته و کنار خط وجود دارند. به‌رغم توان اینترنت برای خدمت به عنوان یک تکنولوژی ارتباط جهانی، عمده فعالیت برخاسته، میان افرادی است که نزدیک یکدیگر زندگی (یا کار) می‌کنند (Hampton & Wellman 1999-2000).

طرح پیشنهاد

با توجه به نوجویی و پویایی جوانان در فراگیری رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، به‌ویژه استقبال ایشان از دو رسانه ارتباطی اینترنتی چت (برخط)، به عنوان اولویت نخست جوانان ایرانی در استفاده از اینترنت - و وبلاگ (کنار خط) - به عنوان رتبه سوم یا چهارم پرشمارترین اهالی وبلاگ در وبلاگستان جهانی (اروج‌زاده ۱۳۸۲) - «توسعه وبلاگستان و اتاق‌های چت فارسی زبان» به عنوان طرحی عملی برای بهره‌برداری از امکانات شبکه به منظور افزایش حمایت اجتماعی از جوانان پیشنهاد می‌شود. اما، پیش‌نیاز این توسعه اطمینان از توسعه‌یافتگی توأمان دو قلمرو فنی و فرهنگی مربوط است؛ یعنی گسترش دسترسی افراد به اینترنت و فراهم‌آوردن امکانات فنی استفاده از امکانات وبلاگ و چت از یک‌سو و ایجاد و بسط فرهنگ بهره‌برداری مطلوب از طریق راه‌اندازی دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش وبلاگ (وبلاگ‌نویسی و وبلاگ‌خوانی) و چت (استفاده از اتاق‌های چت) از سوی دیگر.

به این ترتیب، با تأمین چتر حمایتی گسترده و دائمی شبکه ارتباطات کامپیوتر واسط در

شبکه روابط اجتماعی، هر سه گروه در خطر گرایش به مواد مخدر، معتاد به مواد مخدر و در حال ترک، مورد حمایت قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

«توسعه وبلاگستان و اتاق‌های چت فارسی زبان» پیشنهادی در حوزه ارتقاء حمایت اجتماعی از طریق توسعه شبکه‌های اجتماعی است (دوران ۱۳۸۲) که به اعتقاد تریدی کلیه ابعاد مربوط و مرتبط در بررسی حمایت اجتماعی (یعنی جهت^۱، کیفیت^۲، توصیف^۳ یا ارزیابی^۴، و محتوای^۵ حمایت) را دربرمی‌گیرد (قاسمی ۱۳۸۲)؛ زیرا، افسردگی شدید، گوشه‌گیری افراطی، عدم شرکت در بحث‌های گروهی، احساس تنهایی و بی‌ارزشی، از ویژگی‌های اصلی روان‌شناختی معتادان (رسول‌زاده طباطبایی و آقامحمدیان ۱۳۸۲) محسوب می‌شود و چنان‌که اشاره شد تقویت شبکه روابط اجتماعی مهم‌ترین برنامه برای تأمین حمایت اجتماعی است که می‌تواند افراد را در فائق آمدن و غلبه بر چنان مشکلاتی یاری رساند. به علاوه، این پیشنهاد را می‌توان گامی بلند برای زمینه‌سازی مهمترین استراتژی‌های شناخته شده پیشگیری از اعتیاد در سطح جهان یعنی افزایش مهارت‌های زندگی^۶ دانست (رسول‌زاده طباطبایی و آقامحمدیان ۱۳۸۲).

1- Direction

3- Description

5- Content

2- Disposition

4- Evaluation

6- Life skills

منابع

- اروج‌زاده، محمود (۱۳۸۲). وبلاگ، دروازه ورود به دنیای سایبر، دنیای کامپیوتر و ارتباطات، ویژه‌نامه وبلاگ، ص ۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- خدابخش، روشنگر؛ کریمیان، بتول و عباسی فرد، شریفه (۱۳۸۲). «اثر افسردگی بر نحوه مقابله جوانان با بحران»، فصلنامه مطالعات جوانان، سال اول، ش ۵، صص ۱۱۱-۱۲۲.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۱). تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- _____ (۱۳۸۲). وداع با انسان (یا چرا اجتماع سایبورگ‌ها اجتماعی تر است؟)، دنیای کامپیوتر و ارتباطات، ویژه‌نامه وبلاگ، صص ۳۸-۳۶.
- رسول‌زاده طباطبایی، کاظم و آقامحمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۲). «ویژگی‌های روان‌شناختی معتادان جوان و نقش دوران بازپروری بر تحول آنها»، فصلنامه مطالعات جوانان، سال اول، ش ۳-۴، صص ۱۳۴-۱۰۹.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول: ظهور جامعه شبکه‌ای، علی‌پایا (ویراستار ارشد)، احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- علی‌پور، احمد؛ نوربالا، احمدعلی؛ اژه‌ای، جواد و مطیعان، حسین (۱۳۷۹). شادکامی و عملکرد ایمنی بدن، مجله روانشناسی، سال چهارم، ش ۳، صص ۲۳۳-۲۱۹.
- قاسمی، اکرم (۱۳۸۲). «بررسی رابطه حمایت اجتماعی از دانشجویان و گرایش آنها به ادامه تحصیل در خارج از کشور»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، ش ۵، صص ۱۹۴-۱۶۹.
- قدسی، علی محمد (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین حمایت اجتماعی و

افسردگی، رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- مرجایی، سیده‌ادی (۱۳۸۲). سنجش و بررسی احساس انومی در میان جوانان، فصلنامه مطالعات جوانان، سال اول، ش ۵، صص ۶۰-۲۳.

- ویندال، سون؛ سیگنایزر، بنو و اولسون، جین (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات (مقدمه‌ای بر ارتباطات برنامه‌ریزی شده)، علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Bargh, John A.; McKenna, Katelyn Y.A. & Fitzsimons, Grainne M. (2002). "Can you see the real me? Activation and expression of the "True Self" on the internet", *Journal of Social Issues*, Vol.58, No.1, pp.33-48.

- Hampton, Keith N. & Wellman, Barry (1999). "Netville on-line and off-line: Observing and surveying a wired suburb", *American Behavioral Scientist*, Vol.43, No.3, pp. 475-492.

- ——— (2000). "Examining community in the digital neighborhood early results from Canada's wired suburb". In Toru Ishida and Katherine Isbister (eds.) *Digital cities: Technologies, experiences, and future perspectives*, Lecture Notes in Computer Science 1965. Heidelberg, Germany: Springer-Verlag, pp.194-208.

- Kraut, Robert; Lundmark, Vicki; Patterson, Michael; Kiesler, Sara; Mukopadhyay, Tridas & Scherlis, William (1998). "Internet paradox: A social technology that reduces social involvement and psychological wellbeing?" *American Psychologist*, Vol.53, No.9, pp. 1017-1032.

- Kraut, Robert; Kiesler, Sara; Boneva, Bonka; Cummings, Janathon; Helgeson, Vicki & Crawford, Anne (2002). "Internet paradox revisited", *Journal of Social Issues*, Vol.58, No.1, pp.59-74.

- McKenna, Katelyn Y.A. & Bargh, John A. (1998). "Coming out in the age of the internet: Identity "demarginalization" through virtual group participation", *Journal of personality and Social Psychology*, Vol.75, No.3, pp.681-694.

- McKenna, Katelyn Y.A. & Bargh, John A. (1999). "Causes and consequences of social interaction on the internet: A conceptual framework", *Media Psychology*, Vol.1, pp. 249-269.
- McKenna, Katelyn Y.A. & Bargh, John A. (2000). "Plan 9 from cyberspace: The implications of the internet for personality and social psychology", *Personality and Social Psychology Review*, Vol.4, No.1, pp. 57-75.
- McKenna, Katelyn Y.A.; Green, Amie S. & Gleason, Marci E.J. (2002). "Relationship formation on the internet: What's the big attraction?" *Journal of Social Issues*, Vol.58, No.1, pp. 9-32.
- Parks, Malcolm R. & Floyd, Kory (1996). "Making friends in cyberspace", *Journal of Communication*, Vol.46, No.1, <http://www.ascusc.org/jcmc/vol1/issue4/parks.html>. (21/10/2001).
- Parks, Malcolm R. & Roberts, Lynne D. (1997). "Making MOOsic": The development of personal relationship on-line and a comparison to their off-line counterparts. A paper presented at the annual conference of the Western Speech Communication Association. Monterey, California. <http://depts.washington.edu/spcom/parks/moosic.htm>. (21/10/2001).
- Postmes, Tom; Spears, Russell & Lea, Martin (1998). "Breaching or building social boundaries? Side-effects of computer-mediated communication", *Communication Research*, Vol.25, No.6, pp. 689-715.
- Postmes, Tom; Spears, Russell & Lea, Martin (2000). "The formation of group norms in computer-mediated communication", *Human Communication Research*, Vol.26, No.3, pp. 341-372.
- Reingold, Howard (1993). *The virtual community*. <http://www.rheingold.com/vc/book/>. (4/5/2002).
- Wellman, Barry (2001). "Computer networks as social networks", *Science*, Vol.293, pp. 2031-34.